

گلایه های اعلیحضرت

امیرفیض- حقوقدان

در پیام اخیر اعلیحضرت آمده است:

« جمعی از هم میهنانم در سایت بالاترین بخاطر طرز برخورد دوراز منطق و بردباری عده ای که خود را طرفدار من مینامند خرده گرفته و نارضایتی خود را مستقیم و غیرمستقیم به من از طریق کاست ها پیام ها و یا ایمیل منعکس میکنند فرصت رامغتنم می شمارم تا موضع سیاسی خود را بار دیگر شفاف باشما در میان بگذارم»

در مهرماه سال جاری تحریری تقدیم شد زیر عنوان <درباره من> که چنین شروع شده بود:

<خبر پیوستن اعلیحضرت به سایت بالاترین برای من زلزله ای بود که حقیقتاً متلاشی ام ساخت. این تحریر قاصد این مقصود نیست که درباره این وصلت ناشگون وارد ماهیت بشود بهتر است به فرصت دیگری که اثر این زلزله کمی آرام گیرد موکول شود>

پیام اخیر اعلیحضرت توجهی بود تا به وعده خود درباره عضویت ایشان در سایت بالاترین عمل کنیم.

نخست اجازه فرمانید مختصراً کوتاه درباره موضع سیاسی اعلیحضرت که انگیزه پیام اخیر ایشان است اشاره ای داشته باشیم و سپس موضوع اصلی این تحریر که عضویت اعلیحضرت در سایت بالاترین است مطرح شود.

گلایه طرفداران سلطنت از اعلیحضرت بعلت عدم درک موضع سیاسی اخیر ایشان نیست که تصور فرموده آند نیازی به تکرار آن باشد زیرا سلطنت طلبان با آشنائی به توج و دگرگونی سریع و پیاپی موضع سیاسی اعلیحضرت نمیتوانند موضع سیاسی که از علائم مشخص آن ثبات و پیوستگی با قانون و سنت است در ایشان سراغ کنند.

بنظر میرسد که مطلب بالانیا به دلیل دارد.

در سال ۶۶ به اعتبار بررسی های انجام شده توسط اینجانب در سن ۳۲۵+۵ نوشته شد:

(اگر یک فهرست جامع اسمی از بیانات همایونی اعم از مصاحبه ها و پیامها تهیه شود بطور قطع پس از نام ایران واژه قانون اساسی مشروطه در ردیف اول تکرار قرار دارد که در تمامی نهادها و فاداری به قانون اساسی و حرمت و پاسداری از آن قانون به تاکید آمده است.

براستی در کمال جرات میتوان گفت که در هیچ پیام و مصاحبه ای تاکید بر قانون اساسی و مشروعیت آن از نظر اعلیحضرت به دور نبوده است و حتی برخی پیامها آنقدر از حساسیت قانون اساسی مشروطه برخوردار است که اگر واژه قانون اساسی ازین پیام حذف شود، پیام مفروق عنه از مفهوم میگردد)

آیا در سالهای بعد و اکنون اثری از اعتقاد به حقانیت و مشروعیت قانون اساسی مشروطه در موضع سیاسی ایشان دیده میشود؟ اگر، نه که مسلماً نه است، پس نمیتوان موضع سیاسی که از قاطعیت و دوام و اتکای به قانون برخوردار است در ایشان سراغ کرد.

اعتبار و معتبر

التهاب سلطنت طلبان، شکستن اعتبار سلطنت است که بهرحال شخص رضاپهلوی نماد و متصدی حراست از این اعتبار تاریخی و سنتی است اعتبار سلطنت یک امر اکتسابی نیست یکی از قوانین بنیادی ایرانیان است که در طول تاریخ ایران همچنان پابرجا و مافوق همه چیز بوده است.

اعتبار در فرهنگ ایرانیان به معنای آبرو و شرف و ناموس و مشتقات آن است، در قرآن هم آبرو و اعتبار به معنای خون آنسان آمده است مسلمانان خداوند رابه آبروی محمد قسم میدهند این خود از علانم بزرگداشت و قدر اعتبار است ما ایرانیها به مسئله اعتبار و آبرو خیلی اهمیت میدهم >بسیلی صورتش راسرخ نگه میدارد< دانه کردن اطاق میهمان خانه که رسم کهن ایرانیان است صرفنظر از خصلت میهمان نوازی آنان علامت اعتبار و حفظ آبروست.

اعتبار مانند کوهی سنگی است که بالا رفتن از آن سخت و آهسته است و فروافتادن از آن بسیار سریع است، اعتبار به منزله ملاطی است که شخصیت سیاسی و یا رهبر جامعه رابه جامعه متصل میسازد و همینکه بهر طریق و یا علتی این ملاط از صاحب شخصیت جداشود یعنی آن رهبر و یا شخصیت سیاسی از اعتبار ساقط شود جامعه نیز اوراترک میکند و چون جامعه عادت ندارد که بدون رهبر بماند لذا قهرا به صاحب اعتبار دیگری جذب میشود آنچه در شورش ۵۷ رویداد یکی از نمونه هائی است که میتوان ارانه داد.

حیات جوامع سیاسی و اقتصادی بر قائمه اعتبار قرار گرفته است و هر اعتباری که توانست اعتبار دیگر را بزند و از گردونه خارج سازد، جانشین آن میگردد (انتخابات عمومی نمونه آن است).

با نیم نگاهی به تاریخ حقوقی سلطنت بطور کلی می بینیم که موقعیت پادشاه بمناسبت ثبات و انتخابی نبودن از اعتباری مداوم و کهن، و باوقار استثنائی برخوردار است و تاریخ نشان میدهد که در هیچ زمانی پادشاه که متصدی این اعتبار سنتی است پیشگام شکستن آن نشده است و این امانت بزرگ همچنان حفظ و نسل بعد نسل حراست شده است و در دورانی فترت سلطنت جنبه معنوی سلطنت، که محصول اعتبار سلطنت است همچنان تداوم داشته است.

درست است که اعلیحضرت ما قائل به تداوم سلطنت نیستند تا رعایت صیغه احترام از ایشان خواسته شود ولی قائل بودن و یا نبودن در مقابل سنت سلطنت و قانون و پیمان خاص، که همان سوگند سلطنت است جانی از توجه ندارد این حقیقت در حدی بارز است که نیازی به بحث ندارد یک قرارداد عادی راه هم هر طرف قرارداد حق ندارد به میل خود آنرا تغییر دهد تاچه رسد به سوگند سلطنت و اتکای قانونی آن. فرق است بین کسی که بوظائف سلطنت و به حکم قانون عمل نمیکند با کسی که دست به اقداماتی میزند که به اساس سلطنت و اعتبار متکی به آن صدمه بزند. اعتبار سلطنت امر خصوصی و از اموال شخصی شاه نیست که هر طور بخواهد آنرا خرج کند. اعتبار سلطنت مفوضه^۱ ملت تاریخی ایران است و ضامن بقا و وحدت ملت و موجودیت و استقلال کشور است شاه فقط متصدی حفظ و حراست از آن است و قابل خرج کردن نیست.

اینها که مختصر عرض شد برخاسته از منطق است همان منطقی که اعلیحضرت در پیامشان طرفداران سلطنت رابه <دوری از منطق> متهم فرموده اند.

منطق این مقوله

منطق در این مقوله میگوید:

شخصیتی که واجد چنان موقعیتی است که میفرماید:

^۱ مفوضه مفوضه [م. ف و و ض] (اخ) فرقه ای از غلات شیعه که گویند خدا محمد را خلق کرد و سپس خلق دنیا را به او به تفویض نمود مفوضه مفوضه [م. ف و و / و ض] (ع ص) زنی که بدون ذکر مهر یا بدون مهر به عقد ازدواج کسی درآمده باشد. (از اقرب الموارد) برگرفته از لغت نامه دهخدا - ح-ک

حاجب خوشبختی است که پاسخ و واکنش مثبتی که از پیام خود گرفته ام بسیار زیاد بوده است. سایت من در اینترنت از آن هنگام هر روز بطور متوسط ۲۸۰۰۰ بار مراجعه داشته است»

(سخنرانی اعلیحضرت در انجمن ملی مطبوعات آمریکا اسفند ۷۹)

شخصیتی که دارای موقعیتی است که بنابه اعلام خودش آن ظرف ۴ سال ۷۰ میلیون پیام روی سایت داشته اند بیشترین آنها از ایران بوده است

(مصاحبه با هیئت تحریریه مجله پولیتیک انترناسیونال شماره ۱۰۳)

شخصیتی که اعلام میفرماید « ۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر ایرانی در خارج از کشور طرفدار سلطنت مشروطه اند »

(مصاحبه با کاتال سوم فرآئسه ۱۲ اسفند سال ۷۲)

شخصیتی که میفرماید « خوشوقتم که باطلاع هم میهنام برسانم که ظرف دو ماه ۳،۲۰۰،۰۰۰ پیام روی سایت من در اینترنت آمده است. (مصاحبه با رادیو صدای ایران)

بجاست چند جمله ای هم در رابطه با ارقام بالا از اعلیحضرت داشته باشیم که به استحکام این تحریر کمک است. میفرماید:

« از زمانی که پیام من در داخل مملکت پخش شد واقعا یک هجوم وسیع از ارتباطات برقرار شد در حدی که به زحمت از ش برمیام که واقعا دبیرخانه و خود من گرفتاری پیدا کرده ایم که تمام میل باکس ما طوری پر شده که خیلی از نامه هائی که میاید برگشت میشود < (مصاحبه با رسانه های گروهی لوس آنجلس)

شخصیتی که میفرماید « ارتش آماده است و از من بیش از هر کسی طرفداری میکند ما بانظامیان تماس داریم و میدانیم که اگر علامت داده شود آنها آماده هستند» (مصاحبه با ایندپندنت سال ۷۳)

شخصیتی که دارای چنان موقعیت جهانی است که میفرماید: « من مدام بارهبران کشورها و مقامات قانونگزاران آن ها درباره ایران صحبت میکنم»

شخصیتی که نماینده نهاد و هویت ملی ایران است و ۲۵۰۰ سال اعتبار و حیثیت ملی ایران پشتوانه اوست نباید در سایت بالاترین وابسته به اسرائیل عضویت پیدا کند این عمل و این تصمیم نه تنها منطقی نیست که بسیار هم در تضاد با ایرانیان منفور است.

این چنین شخصیتی چه نیازی هست که عضو یک سایت وابسته به اجنبی باشد؟

حاشیه - مشاهده و شنیده می شود که بالاترین به مناسبت های مختلف علامت سایت را تغییر میدهد و در میان شکل های پیشنهادی که از همه پر اهمیت تر قلمداد شده، شکلی است که به نحوی ستاره داود و یا ارتباط با طرفداران جمهوری اسلامی را القا می کند. پایان حاشیه

آیامعقول است که اعلیحضرت حتی یک رهبر سیاسی عضویت چنین سایت و یادستگاهی رداشته باشد آنهم با توجه به اینکه در این سی سال گذشته بکرات خودش را از دخالت و حضور و وابستگی های سازمانی و سیاسی منع کرده اند؟

اشکال از آنجا شروع شده که اعلیحضرت متاسفانه خودش را نمیشناسد و آن اندازه که خودش را می شناسد آن نیست که سنت ایرانی ایشان را میشناسد. اعلیحضرت نمیدانند که برجایگاه تاریخی پدرملت تکیه دارند به این سند توجه فرمائید که > گوید ماجرا را بهتر از من <

ژنرال هویزر میگوید «در آن زمان (مقصودش زمانی است که از سوی کارتر ماموریت ایران رایافت) دولت من نگران شد زیرا میدانست که ارتش ایران بخصوص رهبران رده بالا عمیقاً به شخص شاه وفادار بوده اند این وفاداری که برای آمریکاییها قابل درک نیست در فرهنگ ایرانی ها بسیار مهم است و وفاداری ایرانیان به شاه مانند عشق یک فرزند به پدر خود است»

پدریک خانواده اصیل و تاریخی نمیرود در یک فاحشه خانه سیاسی خدمت کند اگر رفت که رفته اند خودشان را نشناخته اند که گفته اند «اول خدانشناسی، خود شناسی است»

در سال ۱۳۶۶ پس از آنکه علی توکلی و فرزندش در لندن بوسیله عوامل جمهوری اسلامی ترورش شدند همسر ایشان نامه ای منتشر ساخت که متن آن درسنگر اول آبان ماه ۶۶ منعکس شد متن آن نامه چنین است:

«من افتخار میکنم که شوهرم علی توکلی و پسر ۲۴ ساله ام نادر و کیلی در راه آرمان و هدفشان که ایران شاهنشاهی به پادشاهی رضاشاه دوم است جاودانه جان دادند و شهید شدند»

این نامه خانم توکلی تصویر واقعی رابطه فرزند ملیت ایران را با شاه ترسیم میکند اعلیحضرت سی سال در اضمحلال این رابطه معنوی سعی بلیغ فرمودند تا جایی که امروز محال و ممتنع است که از بین همه ایرانیان حتی یکنفر این چنین گذشت و فداکاری را درباره ایشان نشان بدهد آرمان های ایرانیان را دفن فرمودند آنهم در لجنزار جنبش سبز و اخیراً هم در سایت منتسب به اسرائیل.

ارقام حرف آخر است

ارقام و مقایسه آماری، همواره حرف آخر و قضاوت نهایی است. هر کس در هر فعالیتی چه کسب و بیاسیست باشد بعد از ۱۰ سال فعالیت یک چند درصدی به مشتریان و رجوع کنندگان به او اضافه میشود در حالیکه تعداد رجوع کنندگان به سایت اعلیحضرت آنچنان افت و نزول یافته که خودشان را به سایت بالاترین چسبانده اند و ارقام نشان میدهد که رجوع ایرانیان به سایت ایشان تا ۹۰ درصد کاهش یافته است این مقایسه عددی چه چیزی را مأمود است؟^۲

یک کاسب و یک مرجع وقتی ناظر است که ارباب رجوع او نقصان فاحش یافته است به جستجوی علت برمیاید که: آیا اجناسی که در محل کسبش ارائه میدهد باب میل مردم و مورد نیاز و انتظار آنان نیست؟

آیا اجناسی که میاورد ناقص و قلابی است و مردم میدانند که آن اجناس قلب است؟

آیا حرفهای سبکی که به مراجعین خود میزند و غریبه ها را بر اهل محل ترجیح میدهد سبب است؟

آیا برخورد کارکنان (مقصود تلفنچی است) با مراجعین طوری است که مراجعه کننده از تماس با دفتر مرجع پشیمان میشود؟^۳

^۲ - در مراجعه به بخش های گوناگون تارنمای اعلیحضرت در گوشه سمت چپ گاه راست، شماره افرادی که از آن مورد بازدید کرده اند دیده می شود. بطور نمونه پیام آغاز سال تحصیلی رقم ۱۲۷۴ را نشان می دهد (گزارر زیر را نگاه کنید)

پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت آغاز سال تحصیلی در ایران

Viewed 1274 times

Wednesday, September 21th, 2011

در پیام دیگری که مربوط به پرسش و پاسخ انگلیسی ماه جولای است و در آدرس زیر قرار دارد فقط ۲۲۱۴ نفر بازدید کننده داشته است

http://www.rezapahlavi.org/details_article.php?english&article=536

^۳ - برخورد و شیوه گفتگوی خانم تلفنچی در دفتر اعلیحضرت به ویژه با افرادی که گردی خاکستری بر سرشان ریخته و در دوران پادشاهی پدر گرامی اعلیحضرت شاغل بوده اند بسیار ناگوار و از روی تغییر و بی احترامی بوده و اغلب تلفن را بروی آنان قطع می کنند. آیا همین شیوه رفتار در مورد دیگران هم جاری است؟؟ ح-ک

آیا سروسری که بامردم بدنام و دشمنان اهل محل دارد سبب فاصله بین مراجعین و مرجع شده است؟

آیا گرایش داشتن مرجع، به دشمنان اهل محل که مرجع، ابائی درگفتن آن به اهل محل ندارد سبب بوده است؟

ایا خلف وعده های مرجع سبب گردیده که مراجعین از مراجعه به او مایوس گردند؟

ایا تصویری که مرجع هنگام قبول مرجعیت به مردم ارائه داده است یا آنچه که امروز دنبال میکند سبب تردید مردم دراصالت او بوده است؟

اگر کاسب و یا مرجع نخواهد به علت کسر مراجعین برسد و رفع مشکل کند معنایش این است که کاسب و یا مرجع دنبال تعطیل کسب و ترک موضع مرجعیت خود است اما میخواهد آنرا به حساب عدم داشتن ارباب رجوع منظور نماید تا ورشکسته بتقصیر معرفی نگردد.